فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc118541598)

[پیشگفتار 2](#_Toc118541599)

[طریق پنجم در اتخاذ سیره 3](#_Toc118541600)

[بیان یک مطلب 3](#_Toc118541601)

[یک ملاحظه 3](#_Toc118541602)

[مرحله دوم: راه‌های احراز سیره عصر معصوم 4](#_Toc118541603)

[مقدمه 4](#_Toc118541604)

[اصل مطلب: بخش اول 4](#_Toc118541605)

[طریق اول: استقراء 5](#_Toc118541606)

[اشکال 5](#_Toc118541607)

[جواب اشکال 5](#_Toc118541608)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

گفتیم که سیره‌ای که می‌خواهد مورد استفاده قرار بگیرد از دو منظر می‌شود از آن استفاده کرد یک‌بار این است که می‌خواهیم بگوییم سیره‌ای که در مرئی و منظر معصوم هست و با عدم ردع امضای او را احراز بکنیم و حکمی کشف بکنیم؛ اما غیر از این سیره عقلا یک فایده وسیعی دارد در احراز موضوعات و متعلقات احکام و این فایده عامه‌ای است که در باب سیره عقلا وجود دارد از این جهت است که احراز سیره عقلا در عصر خود ما نه عصر معصوم ارزش دارد حتی اگر نشود این سیره را تا عصر معصوم کشاند از جهات متعدد اثر دارد که یکی از جهات این است که این سیره که احراز شد می‌تواند موضوع برای خیلی از احکام درست بکند که جلسه قبل مثال‌هایی هم زدیم.

این نکته‌ای بود که در جلسه قبل اشاره شد و مرحوم شهید صدر این را به خوبی در بحث‌هایشان فرمودند و در بحوث هست و احتمالاً در دروس و حلقات هم باشد.

ما از چه راه‌هایی می‌توانیم سیره عصر خود را احراز کنیم این دو فایده دارد یکی اینکه موضوعات احکام را درست می‌کند و یکی دیگر این‌که مقدمه می‌شود که سیره را به عصر معصوم ببرد که راجع به این صحبت خواهیم کرد.

تا اینجا آن که گفتیم این بود که

۱- استقراء می‌تواند کاشف از سیره باشد.

۲- تحلیل وجدانی می‌تواند کاشف و طریق باشد

۳- ضرورت و حاجت هم اینجا آمده بود که می‌تواند کاشف باشد

ما گفتیم غیر از این سه تا که تا اینجا آمدیم جلو یک امر دیگری هم وجود دارد و آن یک ترکیبی از استقراء ناقص و محدود با تحلیل وجدانی و عرض ما این بود که اتفاقاً این حالت ترکیبی خیلی شایع است و خیلی می‌شود از آن استفاده کرد استقراء تنها اگر بخواهد باشد باید استقراء مستوفی باشد تحلیل وجدانی تنها هم بخواهد باشد خیلی دشوار است که بگوییم در گوشه‌ای در عالم انتزاعی فردی خود اطمینان پیدا می‌کند که عقلا این سیره را دارند با یک تحلیل درونی، آن هم پیچیدگی‌های این مسائل مانعی است برای اینکه تحلیل به تنهایی بتواند مشکل را حل کند اما ترکیب این دو خیلی رایج است

نکته اخیر هم چیز واضحی است که الطریق الرابع اینجا النقل و الشهاده مثل اجماع منقول است گاهی هم سیره عقلا را برای ما نقل می‌کنند با یک نقل که حجت است احراز می‌کنیم که عقلا این سیره را دارند.

نه فقیه استقراء کرده است نه تحلیل وجدانی به کار برده است و نه ضرورت و حاجتی بوده است اما متخصصان (اگر بگوییم قول متخصص و خبره حجت است) یا شاهد و بینه و یا خبر واحد یک طریق معتبری می‌گوید عرف سیره‌اش این است که شأن امروز در باب نفقه را این‌ها می‌داند خود نمی‌داند ولی طریقی معتبری نقل می‌کند که الان عقلا این‌جوری عمل می‌کنند و این عرفشان شده است.

این می‌شود که طریق رابع در بیان کتاب در صفحه ۶۲ که آن که نقل می‌کند و می‌خواهیم با نقل او احراز کنیم عرف و سیره البته باید معتبر باشد.

بنابراین در بیان ایشان که به نحوی از فرمایشات مرحوم شهید صدر متخذ است البته نه به این بیان بازسازی و فراوری کرده‌اند ولی خمیرمایه در فرمایشات شهید صدر است برای اینکه عرف را اثبات بکنیم و یا سیره معاصر خود را اثبات بکنیم در کتاب چهار طریق گفته شد؛ ۱- استقراء ۲- تحلیل وجدانی ۳- ضرورت و حاجت ۴- نقل و شهادت دیگران برای اینکه این مسئله وجود دارد

# طریق پنجم در اتخاذ سیره

ما در آن بیاناتمان راجع به هر یک از اینها ملاحظات و نکاتی داشتیم، جای خود.

بر اینها افزودیم که آن طریق پنجم است که ترکیب و تلفیق از استقرا محدود و تحلیل ارتکازی و وجدانی است و می‌گفتیم این خیلی شایع‌تر است و قابل استفاده‌تر است.

## بیان یک مطلب

اگر نقل خبر واحد یا بینه است که عرف و یا سیره این است ولی وقتی به تحلیل وجدانی و مراجعات محدود خود مراجعه می‌کنم این را نمی‌بینم این چه کار باید کرد

اینجا باید اعمال قواعدی کرد که در حجیت خبر و بینه آمده است در حجیت خبر و بینه چند نظر است

یک نظر این است که حجیت اینها مشروط به این است که ظن موافق باشد

یک نظر این است که ظن مخالف نباشد

این تحلیل من و یا حتی استقراء محدود من با این نقل تقابل داشت در آن مسیر می‌رود اگر اینها در حدی است که ظن خلاف می‌کند به آن نقل، قاعدتاً آن اعتبار ندارد

اما اگر در حدی نیست که ظن به خلاف ایجاد بکند آن وقت ممکن است بگوییم آن‌ها حجت است. بنابراین در مسیری که در حجیت امارات و خبر می‌رود که گفته شده است که اگر ظن به خلاف ایجاد شد آیا آن را از اعتبار ساقط می‌کند یا خیر؟

اگر این تحلیل یا استقراء محدود ظن به خلاف ایجاد کرد صغرویاً ظن به خلاف ایجاد کرد و کبرویاً هم گفتیم حجیت آن‌ها مشروط به عدم ظن به خلاف است اینجا این اثر می‌گذارد

اما اگر این صغرا را احراز نکردیم یعنی ظن به خلاف ایجاد نکرد یا آن کبرا را قائل نبودیم که ظن به خلاف مسقط حجیت خبر است نه. اینها تابع آن قواعدی می‌شود که در حجیت خبر…

## یک ملاحظه

این خبری که به آن می‌خواهیم اعتماد کنیم برای احراز حکم و سیره باید برگردد یا به استقراء یا ترکیب استقراء و تحلیل وجدانی و نه به تحلیل وجدانی البته اگر شک بکنیم اصل این است خبرها بر حس یا ما یقرب من الحس حمل می‌کنند

اگر شک بکنیم معتبر است اگر بدانیم به استقراء مستند است یا به استقراء و تحلیل مستند است ترکیبی، باز هم معتبر است اما اگر بدانیم خبر او بر اساس یک تحلیل درونی و وجدانی محض است این دیگر یک اجتهاد و حدس است و معتبر نیست.

بنابراین محور اول این بود که راه‌های احراز عرف و سیره عقلاییه در زمان ما چندتاست؟ اینجا ۵ مورد گفته شد چهار مورد در کتاب بود و یک مورد هم حالت تلفیقی بود که ما گفتیم. آن که مهم است مورد پنجم تلفیقی است

دیگر وارد بحث‌های علوم اجتماعی نشدم و تحقیق در علوم اجتماعی و مباحث جامعه‌شناسی، این بحث ریشه‌دارد و ابعاد وسیعی دارد که آنجا گفته می‌شود که در کشف حقایق اجتماعی یک‌بار بر معاینات تکیه می‌کنیم که شرح ماوقع است ولی یک‌بار هست که همان ماوقع را در قالب‌های تحلیلی و ارتکازی می‌ریزیم در کشف واقعیات اجتماعی غالباً این است من البته ابتدا این نظر تلفیق به ذهنم آمد ولی بعد هم‌زمان ذهنم به مباحث تحقیق علوم اجتماعی رفت در تبیین و همدلی با آن معاینات بر اساس وجدانیات و ارتکازیات حرف‌های خیلی وسیعی در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و روش تحقیق علوم اجتماعی آمده است و اتفاقاً شاید آن‌ها به اینجا کمک بدهد که ما کمتر توجه داریم

این مرحله اولی؛ طرق اثبات سیره المعاصر لنا، سیره هم‌زمان خود را چگونه می‌توان احراز کرد سؤالی بود که در مرحله اول مطرح شد و پنج روش معین شد و تشریح شد.

# مرحله دوم: راه‌های احراز سیره عصر معصوم

با گذر از این مسئله وارد مرحله دوم می‌شویم که طرق احراز سیره معاصر معصوم است که احراز سیره معاصر معصوم در آن کارکرد کشف حکم مهم است برای آن عرف و سیره‌ای که موضوع احکام را درست می‌کند خیلی اهمیت ندارد بیشتر نفع و کارکرد آن برای این است که بگوییم حکم ثابت بشود از طریق سیره معاصر معصوم.

# مقدمه

در اینجا یک مقدمه کوتاهی عرض می‌کنیم و مسیری که اینجا طی شده است و نکاتی که ذیل آن است خواهیم گفت

آن مقدمه این است که از یک منظر کلی سیره زمان معصوم را بخواهیم احراز بکنیم و بگوییم عدم ردع آن کاشف از امضاء است این دو مسیر را می‌شود طی کرد.

یکی اینکه مستقیم سیره زمان معصوم را با یک روشی اثبات کنیم و اصلاً کار نداریم که الان سیره هست یا نیست

راه دوم این است که از سیره الان استفاده بکنیم و سیره امروز در سیره زمان معصوم نقشی داشته باشد

این دو شکلی که در بحث‌ها اثر می‌گذارد

## اصل مطلب: بخش اول

هفت هشت طریق اینجا ذکر شده است که چهارتای سابق در احراز طرق سیره معاصر اینجا هم جاری است منتهی با تفاوتی که اینجا دارد

همان چهار روش با تقریری دیگر برای اثبات سیره معاصر معصوم هم به کار می‌رود

## طریق اول: استقراء

با استقراء گسترده‌ای به اطمینان و قطع برسیم که در عصر معصوم هم این وجود داشته است تعبیری که اینجا از استقراء دارند این است که الاستقراء الاوضاع الاجتماعیه المتعدده فی المجتمعات المختلفه و ملاحظة تطابق‌ها علی شئ واحد یوجب تعمیم الحکم الی جمیع المجتمعات العقلاییه حتی المعاصره لعهد المعصومین این‌که در کلام شهید صدر هم آمده است

این استقراء امروز اگر خیلی وسیع بشود و ما را به یک وجه عقلایی برساند گاهی این استقراء وسیع موجب می‌شود بر اساس حساب احتمالات ما فراتر از زمان برویم می‌رویم می‌بینیم در همه گروه‌ها و طبقات عقلایی این عرف و سیره رسوخ و نفوذ دارد و ساری و جاری است و احتمال نمی‌دهیم که امروز و دیروز و پس پریروز فرقی داشته باشد با یک استقراء تا قرون متقدم و تا عصر معصوم می‌رویم.

## اشکال

اشکالی که اینجا آمده است این است که این خیلی سخت است برای اینکه احراز سیره امروز با مشاهدات ما میسر است اما اینکه مشاهدات امروز ما کاشف از اعصار پیشین باشد بر اساس حساب احتمالات ضعیف است برای اینکه تحول اوضاع و احوال و تغییر شرایط اجتماعی خیلی وسیع است اینکه امروز این طور است پس دیروز و پریروز و هزار سال و هزار دویست سال قبل هم این‌طور بوده است این به این سادگی میسر نیست

تقریر آن است که گفتیم و مناقشه هم این است

## جواب اشکال

جواب از مناقشه داده شده است در متن الفائق آمده لو لوحظت المجتمعات المعاصره المتباعده التی لا یحتمل تأثر بعض‌ها ببعض و اتفاق‌ها علی شئ فلا یبعد أن یکشف ذلک أن وجوده فی زمان الشارع

این تبادر ادعاست او می‌گوید نمی‌شود برای اینکه این زمان‌ها خیلی باهم فاصله دارد و ممکن است عرف‌ها باهم تفاوت کند و سیره‌ها متغیر شود و پاسخی هم داده می‌شود این است که اگر ما با استقراء به یک وجه عقلایی ریشه‌دار رسیدیم این وجه عقلایی که دیده شد در مجتمع‌های پراکنده و در نژادها و اقوام گوناگون، مطمئن می‌شود که این وجه عقلایی بشر است پس در آن زمان هم بوده است.

این تبادر ادعاست واقع مسئله که در اینجا می‌خواهم بگویم این است که (این همان ترکیب تحلیل وجدانی است) اگر به صرف یک استقراء آدم بخواهد گستردگی سیره را در زمان معاصر کشف بکند و حتی یک وجه عقلایی مشترک را کشف کند ولی هیچ ارتکاز و تحلیل وجدانی پشت سر این نباشد خیلی سخت است که بگوییم هزار و دویست سال قبل هم عقلا این‌جوری عمل می‌کردند حتماً پشت سر این یک ضرورت و نیاز اجتماعی است و یا یک تحلیل دقیق وجدانی است که می‌گوید این با انسانیت انسان اجتماعی گره خورده است و لذا اگر ضمیمه شدن ضرورت یا تحلیل باشد راه برای این استقراء باز می‌شود که ما را به این برساند که زمان معصوم هم این‌طور است یا ضرورت اجتماعی یا تحلیل عمیق ارتکازی و وجدانی، یکی از اینها باشد و باز یک تحلیل اینکه این قصه در یک مداری نیست که تحولات تکنولوژی و شرایط زمانه آن را متحول کرده باشد

اگر این دو سه ضمیمه بشود شدنی است که از یک سیره امروزین بخواهیم سیره هزار و دویست سال قبل را کشف کنیم.

این باز شرایطی دارد یکی اینکه استقراء وسیع باشد و به آن ضمیمه بشود و یا درک ضرورت و یا درک وجدانی و ارتکازی، وجه عقلایی مهم و به یک اطمینانی برسد که این تطور شرایط و تغیر شرایط و اوضاع زمانه در این اثر نداشته است. اگر این ضمیمه بشود می‌شود و واقعاً هم جاهایی می‌شود حالا این قول ذوالید اعتماد به قول ذوالید، اماریت ید بر مالکیت، معاطات، اینها می‌شود برای اینکه ما هم سیره جاریه‌ای را الان می‌بینیم و هم می‌بینیم که یک ضرورت و یک تحلیل وجدانی به آن ضمیمه می‌شود و اگر ضرورت هم نباشد تحلیل وجدانی وجود دارد که قوام این به وجه اجتماعی عام انسانی است و با تطور تکنولوژی و شرایط اجتماعی و فناوری‌ها هم تغییر نمی‌کند و الا همین قصه اماریت ید بر مالکیت اگر در زمانی که اینترنت اشیاء باشد یا هوش مصنوعی قوی وجود داشته باشد در آن شرایط دیگر می‌گوید من درک نمی‌کنم ضرورت اماریت ید و امثال اینها باشد همین جوری می‌شود فهمید و آن نمی‌تواند سیره را برای ما احراز بکند

اگر بخواهیم از سیره‌های امروز به آن راه ببریم، این شدنی است یا خیر؟ ما می‌گوییم شدنی است ولی خیلی سخت است شرایط این است که استقراء خیلی وسیع باشد، نه محدود، دو اینکه ضرورت یا ارتکاز عمیق وجدانی باشد و سه اینکه در ارتباط آن موضوع تحولات بزرگی رخ نداده باشد مثل اینکه در معاطات تطوری هر چه زیر و رو شده باشد معاطات فرقی نمی‌کند شاید شکل معاطات فرق بکند ولی اصل اینکه معاطات را ترتیب اثر می‌دهند فرق نمی‌کند و یا اینکه ید افراد اماره مالکیت آن‌هاست فرقی نمی‌کند

الان آدم حدس می‌زند که یک تحولاتی در تکنولوژی پیدا بشود که الان اینها خیلی نیازی دیده نشود و یا فلسفه خود را از دست بدهد آن ممکن است

بخشی از مطلب اصلی را گفتیم که استقراء امروز برای اینکه ما را به دیروز و قرون گذشته برساند ضمائمی می‌خواهد هم استقراء باید گسترده باشد و هم ضمائمی باید کنار آن باشد و این هم شدنی است و اگر آن ضمائم نباشد به صرف استقراء امروز نمی‌شود ثابت کرد.

بنابراین در احراز سیره معاصر معصوم یک راه استقرائی است که می‌خواهد از امروز ما را به گذشته ببرد این با ضمائمی می‌شود که به آن اشاره کردیم.

اگر این ضمائم نباشد صرف استقراء می‌شود با استصحاب قهقرا برد؟ اصولاً با استصحاب قهقرا دلیل ندارد

صلی الله علی محمد و آل محمد